هشت سال پس از درگذشت مرحوم هاشمی رفسنجانی هنوز خاطرات ثبت شده او بخش‌های مهمی از تاریخ سیاسی ایران را روایت می‌کند مانند ماجرای مذاکره با آمریکایی‌ها در خصوص گروگان‌های لبنانی

چراغ سبز به ساده‌سازی

زهرا طبیبی- علی مزروعی- علی ملکی
گروه نقد روز

«خاطرات شفاهی در صدر پرفروش‌های ۲۰۲۴». این بخش از آماری است که نیویورک تایمز از کتاب‌های پرفروش سال میلادی که گذشت منتشر کرد. اما به‌نظر می‌رسد در ایران همچنان اهمیت انتشار خاطرات شفاهی و ارائه روایت‌های غیررسمی آنطور که باید درک نشده است. در طول ۴۵ سال گذشته، خاطراتی که مرحوم هاشمی رفسنجانی از سال‌های مسئولیت داشتنش منتشر کرده جزء معدود خاطرات جامع است که برای درک بزنگاه‌های تاریخی ایران می‌توان به آن رجوع کرد. مرحوم هاشمی در خاطراتش روایتی از مهم‌ترین تحولات در برهه‌های مهم انقلاب ارائه کرده است. روایت‌هایی که رجوع به آنها همچنان در فضای سیاسی ایران اثرگذارند و می‌توان با شبابون آن بدیلی برای این روزهای فضای سیاسی نیز پیدا کرد. نیفتادن در تله جنگ، ماجرایی نیست که برای فضای سیاسی و امنیتی ایران تازگی داشته باشد، پیش از این در دوران حمله صدام به کویت ایران چنین فضایی را تجربه کرد و شرح کاملی از زیرکی ایران در مواجهه با این چالش در خاطرات مرحوم هاشمی مکتوب شده است. علاوه براین در شرایطی که مدام از مذاکره با آمریکایی‌ها صحبت به میان می‌آید، باید توجه شود که ایران در مذاکره با آمریکا بی‌تجربه نیست؛ خیلی پیش‌تر از مذاکرات هسته‌ای ایران در جریان به گروگان گرفته شدن نیروهای آمریکایی در لبنان، گام‌های ابتدایی مذاکره با آمریکایی‌ها و بده‌بستان با آن‌ها را تجربه می‌کند که البته عبرت‌های خوبی در مورد خلف وعده آمریکا از این مذاکرات به ویژه در خاطرات هاشمی به یادگار مانده و اکنون نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. همچنین در فضای سیاست داخلی و دوران ریاست جمهوری مرحوم هاشمی و پس از آن در دولت اصلاحات، جهره‌ها و جریان‌هایی بودند که برخلاف پشتیبانی اولیه، شروع به متهم‌نمایی و مخالفت با دولت می‌کنند که باعث می‌شود روزگار فعلی و انتقادی که به دولت مستقر به ویژه از جانب حامیان مطرح می‌شود در ذهن تداعی شود. در مروری که از خاطرات مرحوم هاشمی رفسنجانی به مناسبت سالگرد درگذشت ایشان داشتیم، به روایت این اتفاقات پرداخته شده است.

حسن نیتی که حسن نیت نیاورد

در سال‌های آغازین دهه ۱۳۷۰ یکی از بزنگاه‌ها در تاریخ دیپلماسی ایران رقم خورد؛ جایی که ایران با تمام حساسیت‌های داخلی و خارجی دست تعامل به سوی آمریکا دراز کرد و با تمام توان تلاش کرد تا حسن نیت خود را نشان دهد اما این تلاش‌ها به جای پاسخی مثبت یا به‌عهدی و رفتار سردی مواجه شد که درسی تلخ را ماندگارتر به همراه داشت. داستان مذاخله مثبت ایران برای آزادسازی گروگان‌های آمریکایی در لبنان و روایت تلاش‌های آیت‌الله هاشمی رفسنجانی است که با امید به گشایش در روابط و حل بحران‌های منطقه‌ای مسیر تعامل را برگزید، اما با منافع‌هایی روبه‌رو شد که نهتنها مسیر را هموار نکرد بلکه بر سختی‌های آن افزود.

آیت‌الله هاشمی و رویکرد تعامل سازنده با دنیا

مرحوم هاشمی رفسنجانی دوران ریاست‌جمهوری خود را با سیاست تعدیل آغاز کرد؛ سیاستی که دو محور اصلی آن اصلاحات اقتصادی و سیاست خارجی مبتنی بر تعامل و حسن نیت بود. در عرصه اقتصاد، دولت او خصوصی‌سازی را در دستور کار قرار داد، نرخ ارز را واقعی کرد و یارانه‌ها که در آن زمان عمدتاً به‌شکل کوپن توزیع می‌شدند، به‌طور قابل‌توجهی کاهش داد. اما در سیاست خارجی، هاشمی معتقد بود که بیشتر برنامه‌های توسعه‌ای و تأمین منابع مالی بزرگ نیازمند تغییر رویکرد است. او بر این باور بود که باید سیاست خارجی کشور را به سمت «تعامل سازنده با دنیا» سوق داد. یکی از فرصت‌های مهم برای نشان دادن حسن نیت ایران به جامعه جهانی ماجرای گروگان‌گیری نیروهای آمریکایی و برخی ملیت‌های اروپایی در لبنان بود. این ماجرا در کنار سخنرانی جرج هربرت بوش، رئیس‌جمهور آمریکا در دی ماه ۱۳۶۷، نقطه‌ای برای آغاز دیپلماسی فعال ایران شد. بوش پدر در سخنرانی آغاز ریاست‌جمهوری‌اش تأکید کرد: «ما شاهدیم که آمریکایی‌هایی در سرزمین‌های خارجی گروگان گرفته‌شده‌اند. اینجاست که همکاری می‌تواند معنا پیدا کند. چنین کمکی هرگز فراموش نخواهد شد.» از جمله‌های کلیدی بوش در دیپلماسی بین‌المللی همیشه زیادی داشت: Goodwill begets goodwill یا همان «حسن نیت، حسن نیت می‌آورد.»

آزادی گروگان‌ها؛ نماد دیپلماسی حسن نیت

در شهریور ۱۳۶۸، جوزف پیکو، معاون سیاسی دیرکل سازمان ملل با پیام مهمی از طرف دولت آمریکا به تهران آمد. او در دیداری محرمانه با هاشمی گفت: «رئیس‌جمهور بوش از ایران در خواست دارد که در آزادسازی گروگان‌های آمریکایی در لبنان کمک کند. مطمئن باشید این همکاری شما بدون پاداش نمی‌ماند.» هاشمی که رویکردی بر مبنای تعامل و حل مسائل از طریق گفت‌وگو داشت، این درخواست را فرصتی برای نشان دادن چهره‌ای مثبت از ایران به جهان دید. او تأکید کرد که این آمادگی به معنا نیست در آزادی گروگان‌ها کمک کند اما انتظار دارد در ازای این اقدام «دارایی‌های بلوکه‌شده ایران آزاد شود» و «غرامت شهدای هواپیمای مسافربری ایران که توسط ناو آمریکایی سرنگون شد، پرداخت شود.»

تابستان ۱۳۶۹ هاشمی سیاست خارجی جدید جمهوری اسلامی ایران را در جلسه‌ای با مجلس خبرگان رهبری این‌گونه تشریح کرد: «سیاست خارجی ما بر این است که دشمن‌تراشی نکنیم. اما در برابر کسانی که دشمنی می‌ورزند، قاطعانه خواهیم ایستاد.» این نگاه، زمینه‌ای شد برای تلاش‌های دیپلماتیک بیشتر. در پاییز همان سال رابطه ایران و انگلیس که پیش‌تر قطع شده بود با حفظ اصول و شروط از سوی ایران دوباره برقرار شد.

شاید رسیدگی به وضعیت گروگان‌های آمریکایی و اروپایی در لبنان بخشی از این سیاست بود. با وجود اینکه گروه‌های لبنانی تمایلی به آزادی گروگان‌های آمریکایی نداشتند، ایران با گفت‌وگو و اصرار توانست آن‌ها را متقاعد کند. سرانجام پس از سه سال تلاش دیپلماتیک در شهریور ۱۳۷۰، آخرین گروگان آمریکایی آزاد شد. این اتفاق چنان تأثیرگذار بود که بوش اعلام کرد: «احساس می‌کنم بار سنگینی از روی دوشم برداشته شد.»

رویترز: گروگان‌ها مدیون هاشمی‌اند

یاد کرد: «حداقل فکر می‌کردیم اموال بلوکه‌شده ما آزاد شد. اما دیدیم که آمریکایی‌ها به‌جای قدردانی، طمعکارتر شدند. این، علامت بدی بود.» در این ماجرا نه‌تنها وعده‌های آمریکا عملی نشد، بلکه اوضاع بدتر شد. جرج بوش پدر به جای کاهش فشارها، سیاست‌های تهاجمی‌تری علیه ایران اتخاذ کرد. حتی افرادی مانند کرگ سیک، از مقامات آمریکایی، اعتراف کردند که «ایدئولوژیکی انقلابی شخصیت‌هایی مانند هاشمی رفسنجانی مانع از بهبود روابط میان ایران و آمریکا است.»

ایران در این ماجرا نشان داد که حتی در شرایط سخت و پرتنش، حاضر است حسن نیت خود را در عمل ثابت کند. اما آمریکا به وعده‌های خود عمل نکرد. این تجربه، که اگر نتایج مورد انتظار را به همراه نداشت، اما نفوذ ایران را به عنوان کشوری که به اصول انسانی و دیپلماسی پایبند است در سطح جهانی برجسته کرد. سیاست خارجی مبتنی بر حسن نیت، همچنان یکی از درس‌های مهم این دوران باقی ماندند. هاشمی رفسنجانی در کتاب خاطراتش روایتی از ماجرای تعامل ایران با آمریکا در جریان آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان ارائه می‌دهد. او به پیام‌های ردوبدل‌شده، درخواست‌های آمریکا و رفتارهای پس از آن اشاره کرده که به‌خوبی نشان‌دهنده پیچیدگی روابط ایران و آمریکا در آن زمان است.

طلبکارترشدن آمریکا بعد از آزادی گروگان‌ها

هاشمی بعدها با صراحت از تجربه‌اش در این زمینه گفت. او تأکید کرد که ایران در ماجرای گروگان‌گیری لبنان زحمت زیادی کشید تا بتواند راه‌حلی پیدا کند. قانع کردن گروه‌های لبنانی برای آزادی گروگان‌ها کار آسانی نبود، اما ایران «موفق شد با پیگیری مستمر این مشکل را حل کند.

هاشمی درباره این تلاش‌ها چنین توضیح داد: «ما در لبنان زحمت کشیدیم تا سرنخی پیدا کنیم. قانع کردن بچه‌های انقلابی لبنان آسان نبود. اما توانستیم آن‌ها را متقاعد کنیم. به محض اینکه گروگان‌ها آزاد شدند آمریکایی‌ها به‌جای عمل به تعهداتشان، طلبکارتر شدند.»

آمریکایی‌ها پیش از آزادی گروگان‌ها، از طریق واسطه‌ها پیام داده بودند: «اگر ما کمک کنید تا گروگان‌های ما آزاد شوند، اقداماتی از طرف ما خواهید دید که شما را شگفت‌زده خواهد کرد و باورکردنی نخواهد بود.» هاشمی با این امید که این وعده‌ها زمینه‌ساز گشایش‌های اقتصادی و بازگشت دارایی‌های بلوکه‌شده ایران شود، این مسیر را پی گرفت. اما وقتی گروگان‌ها آزاد شدند، تنها دارایی‌ها آزاد نشدند، بلکه رفتار آمریکا به‌مراتب طلبکارانه‌تر و طمع‌کارانه‌تر شد.

حداقل حسن نیتمان اثبات شد

هاشمی سال‌ها بعد، در مصاحباتی در سال ۱۳۷۸، از این تجربه به تلخی یاد کرد: «حداقلی فکر می‌کردیم اموال بلوکه‌شده ما آزاد شد. اما دیدیم که آمریکایی‌ها به‌جای قدردانی، طمعکارتر شدند. این، علامت بدی بود.» در این ماجرا نه‌تنها وعده‌های آمریکا عملی نشد، بلکه اوضاع بدتر شد. جرج بوش پدر به جای کاهش فشارها، سیاست‌های تهاجمی‌تری علیه ایران اتخاذ کرد. حتی افرادی مانند کرگ سیک، از مقامات آمریکایی، اعتراف کردند که «ایدئولوژیکی انقلابی شخصیت‌هایی مانند هاشمی رفسنجانی مانع از بهبود روابط میان ایران و آمریکا است.»

ایران در این ماجرا نشان داد که حتی در شرایط سخت و پرتنش، حاضر است حسن نیت خود را در عمل ثابت کند. اما آمریکا به وعده‌های خود عمل نکرد. این تجربه، که اگر نتایج مورد انتظار را به همراه نداشت، اما نفوذ ایران را به عنوان کشوری که به اصول انسانی و دیپلماسی پایبند است در سطح جهانی برجسته کرد. سیاست خارجی مبتنی بر حسن نیت، همچنان یکی از درس‌های مهم این دوران باقی ماندند. هاشمی رفسنجانی در کتاب خاطراتش روایتی از ماجرای تعامل ایران با آمریکا در جریان آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان ارائه می‌دهد. او به پیام‌های ردوبدل‌شده، درخواست‌های آمریکا و رفتارهای پس از آن اشاره کرده که به‌خوبی نشان‌دهنده پیچیدگی روابط ایران و آمریکا در آن زمان است.

روی خط همکاری با غرب و مدیریت فشارهای داخل

در خاطرات روز پنجشنبه ۶ اردیبهشت سال ۱۳۶۹، هاشمی روایت می‌کند که سیدحسین موسویان، نماینده وزارت امور خارجه گزارشی از دیدار با سفیر سوئیس، حافظ منافع آمریکا به او ارائه داد. طبق آن جریع بوش در پیامی خصوصی از کمک ایران در آزادی رابرت پل هیل، گروگان آمریکایی تشکر کرده و گفته بود که حافظ اسد نیز به آمریکا اطلاع داده ایران در ماجراجوئی موثری داشته است. بوش همچنین اشاره کرده بود طرفی مطلع اطلاعات آمریکا، گروگان‌های ایرانی در دست ماروبنی‌ها در همان روزهای نخست کشته شده‌اند، اما همچنان آمادگی خود را برای پیگیری موضوع اعلام کرده بود. هاشمی در پاسخ به این پیام تأکید کرد که ایران تنها در صورتی می‌تواند به جلب آمریکا در این ماجرا کمک کند و با برقراری روابط رسمی و افتتاح سفارت‌خانه‌ها موافقت نمودیم» «همزمان با امتیاز گیری از جرج بوش برای امتیازگیری از سایر کشورها که اکنون ناچار بودند با ایران مدارا کنند نیز باید عمل می‌شد. در همین راستا که اینگونه هاشمی امنیت می‌دهند و توسط یک اینگاه رادیویی تندرو و روزنامه‌های تحت اختیار هوتوها، این نظریه را جامی انداز نند که یک اقدام تروریستی توسط توتسی‌ها بوده و کشور بدون دولت را در گیر یک مبه‌جنگ داخلی می‌کنند. طی ۱۰۰ روز، یعنی حدود سه ماه، یک میلیون و صد هزار توتسی و هوتوی میانه‌رو که می‌خواستند به این کشتار خاتمه بدهند از دم تیغ تندروها کشته‌شدند، روزی یازده هزار نفر کشته!

این کشتار سراسری بود، بدون تردید، اما هوتوها همراستا توتسی خودشان را کشتند، بعضی‌ها همسایه‌ها، معلم‌ها، دانشجوها، مبلغان دینی و حتی دوستان خودشان را کشتند و آنها همچنین بعضی گزارش‌ها می‌گویند آن‌هایی که به کلیسا پناه برده بودند توسط کشیش‌ها تحویل هوتوها شدند. در برخی شهرها در کلیساها به روی شیعه‌نظامیان باز شد و محراب‌های عبادت کلیساها جلوی چشم راهبه‌ها و کشیش‌ها بر از خون مردها، زن‌ها و بچه‌هایی شد که بی‌هیچ ترحمی در عبادتگاه‌ها سلاخی می‌شدند.

اینکه نویسنده از کلمه سلاخی استفاده می‌کند به این دلیل است که عمده این قتل‌ها با چاقو، قمه و چوب بدایش ازکه یک میلیون جنازه تکه‌تکه‌شده‌توی شهر هاتل خانه‌ها، کلیساها و زمین‌های کشاورزی رها شده بود. همه و همه به این دلیل که هوتوها می‌خواستند انتقام خودشان را از به قول خودشان «سوسک‌های توتسی» بگیرند اما یک قفره در هزار نفر از مردمی که به یک مدرسه حفاظت‌شده توسط سازمان ملل پناه‌برده بودند پس از عقب‌نشینی نیروهای نظامی به‌شکل وحشتناکی کشته‌شدند. آدم چه کارهایی که نمی‌کند!

تایم‌لاین قاتل‌ساز

توتی‌تایم‌لاین هوتوها هیچ‌پیامی نزترحم‌نبود. هوتوها معتقدبودند که با قلبیتی شکننده به‌طرفدار که یا یک خانه‌کتانی اساسی می‌توانند دنیای خودشان را خالص کنند و شر سوسک‌های مزاحم را از سر خودشان باز کنند. توتسی‌ها هم توتی یک تایم‌لاین دیگر بودند و صدایشان به هوتوها نمی‌رسید.

وقتی دوقلبی در جامعه ایفقدر پرنگ‌شد، هیچ مرزی برای شرارت وجود نداشت. مردمی که دو تایم‌لاین کاملاً متفاوت از هم داشتند اتفاقاً روزهای به چندان دور خودشان را فراموش کرده بودند و فقط دست به جنایت علیه آدم‌هایی می‌زدند که می‌شناختند و یا هم در ارتباط بودند. آمار از تجاوز به دوست تا یا نصد هزار زن و دختر روآندایی خبر می‌دهد. آن‌ها مردم یک کشور بودند. اما بالمبی سر هم آوردند که باور کردنی نیست. بسیاری از زنان باز مانده از آن اتفاق دگیر ایفدرتوبیش از پانزده‌هزار روآندایی حاصل ازتجاوزهای فلسگیسخان ۱۰۰ روز در این کشور زندگی می‌کنند. واقعیت دردناک بیشتر از این آمار است. بسیاری از توتسی‌ها که به اوگاندا پناه برده بودند بر اثر بیماری کشته‌شدند، اما باز مانده آن‌ها با حمایت ارتش اوگاندا به هوتوها حمله کردند و ماجرا برعکس شد و هوتوها تا زیر عقب‌نشینی کردند و بسیاری بر اثر ایتلاء و یا کشته شدند. ما در مورد عده‌ها صحبت نمی‌کنیم، این‌ها آسان هستند. حالا تا تمام این تفاسیر اگر به شما بگویم ترور رئیس جمهور هیاریمانا، توطئه خود هوتوها بوده چه احساسی به شما دست می‌دهد؟!

خیلی دور، خیلی نزدیک

روایت دردناکی بود. روایت مردمی که در یک جنگ در محاصره گیر کرده‌اند، رژیم خبری یکسانی دارند و هیچ صدایی جز هیاهو، تلبید و تشویق اطرافیان خودشان را نمی‌شنوند. این روایت برای شما آشنا نیست؟

بله، ما هم مثل تمام مردم دنیا هفته‌ی سه شنبه‌ها در آسمانه چنین اتفاقاتی قرار داریم. اتفاقاتی که از شهرهای کوچک‌تر شروع می‌شود، از محاصره‌های کوچک، از تایم‌لاین‌های کوچک و از هم‌لایی خشونت‌های کوچک‌ها چه بسا اگر در کشوری به سر می‌بردیم که حاکمیت محصور و نجو داشت تیرهای برق تبدیل به چوب‌های دار می‌شد. یک بار دیگر خشونت‌های اتفاقات اخیر رایه خاطر بیاورید. چطور یک پزشک، یک زن، یک راننده یا صلبا یک ایرانی معمولی تبدیل به یک عامل ایجاد خشونت افراطی می‌شود؟ آیا این تأثیر تایم‌لاین اشتباه نیست؟

دوباره تأکید می‌کنیم این مطلب به هیچ‌عنوان در تلبید باردیک اتفاق نیست، اما یک بار مرور کنید که در وقایع اخیر خیابان چه اتفاقاتی افتاد؟ مردم در دو تایم‌لاین متفاوت با هم روبه‌رو شدند و توانستند با هم حرف بزنند. حرف‌های از «ایران الکی» حکمرانی به گوش مردمی که در شهر دیگری در محاصره بودند، نرسید. چه بسیار افرادی که هنوز تصور می‌کنند مسئولان ارتش به نوزرنالا فرار کردند، فیلم پدر مرحومه امینی را نداشتند. هنوز تصور می‌کنند اگر چند روز بیشتر مقاومت می‌کردند ارتش به نفع اعتراضات وارد عمل می‌شد!

از نگاه این طرف و آن طرف

بیایید یک واقعه را به صورت معجزآمیز بررسی کنیم. مجید رضا رهنورد را احتمالاً به خاطر دارید. همان جوان مشهدی که در عرض چند ثانیه از یک خیابان عادی تبدیل به یک مفهوم به قتل شد.

یک بار نام او را در رسانه‌های داخلی و دیگر نام او را در رسانه‌های خارجی جست‌وجو کنید. اخبار طوری هستند که انگار در مورد دو شخص مجزا روایت می‌کنند. یکی قاتلی بی‌رحم و دومی دستاویزی سیاسی برای ترساندن مردم از عقوبت حضور در خیابان‌ها. هر طرف هم دارلیل برای این گفته‌هایی آورد رسانه‌های خارجی می‌گویند وکیل تسخیری بود، رهنورد تحت شکنجه اعتراف کرده، عمل او حمله به مشن نظر دفاع مشروع بوده و اصلاً از کجا معلوم که خود او قاتل باشد؟ رسانه‌های داخلی هم می‌گویند او اعتراف کرده، شاهدان هم در صحنه حضور داشتند! و قبلم دوربین‌های مداربسته هم خشونت‌ها به همین مسئله‌ی دهند. شهادت می‌دهند که یک جوان چاقوی بزرگش را بارها و بارها بلند کرده و مثل گلنگی که می‌خواهد زمین را سوراخ کند به قلب همشهری خودش کوبیده است. البته این‌ها فقط بخشی از دلایل موجود در دو تایم‌لاین است. از قضا دسترسی اهالی هیچ‌کدام از این دو تایم‌لاین به هم نمی‌رسد.

حالا پرسش اینجاست، ما در کدام شهر در محاصره زندگی می‌کنیم؟! رژیم خبری ما از رهنورد یک «قتل معصوم و قربانی ساخته است یا یک جنایتکار و مستحق اعدام»؟! بماند که خود رهنورد در آخرین گفت‌وگوهایش می‌گفت که فریب تایم‌لاین خودش را خورده و برادرکشی کرده است. همان حرفی که بازماندگان نسل کشی روآندا امروز می‌زنند!

شمشیرهای پاک، ذهن‌های آلوده

تمام این سطوری که خواندید مقدمه‌ای بود برای جملاتی که از این به بعد خواهید خواند. سرنوشت یک خطری برای همه است. برای همه ما هایی که در شهرهای در محاصره زندگی می‌کنیم.

«به دختر کتتـــر زده که بار آخری باشد که تو را توی خیابان می‌بینم. شماره پدرت را بده که تمامی بگیرم تا برای تحویل گرفتنت بیایاد!» دختری که انتظار است که حساب آشوب‌های خیابانی را بابد از حاب تحرکات اولیه دانشجوی جدا کرد، ولی به تخلیف افرادی از دانشجویان که در آشوب‌ها مؤثر بوده‌اند، باید رسیدگی کرد. گفتند آقای خانمی از موضع ضعف همکاری می‌کنند و مشکلی با ایشان ندارند، ولی از امثال تاج‌زاده‌ها دفاع می‌کنند که به ایشان تذکر دادند.» هاشمی اثبت از قول دیگر افراد همچنان به انتقاد از دولت حتی می‌پردازد، مسیر اصلی اما القای این گزاره است که دولت ناکارآمد است و محمد خانمی از مدیریت امور در دولت ناتوان است.

حامیان دیروز، اپوزیسیون امروز دولت

چپ‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۶۸ از هاشمی حمایت کردند، اما بعد به منتقدان اصلی دولت تبدیل شدند و تا آنجا پیش رفتند که صدای هاشمی بلند شد و آن‌ها را به نزدنی محکوم کرد. هاشمی حتی در خاطرات خود آن‌ها را رادیکال می‌خواند. با این حال در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۷۶ مرحوم هاشمی از خاتمی، نامزد چپ‌ها حمایت می‌کند، اما بعد از آغاز به کار ریاست خاتمی، آنچه در خاطراتش منعکس شده، القای این گزاره است که دولت ناکارآمد است و نمی‌تواند از بمن دشواری‌ها بر بیاید، در ادامه به بخشی از کشمکش و اختلاف چپ‌ها و هاشمی در خاطرات او پرداخته‌ایم.

ابزار فشار رأی اعتماد برای سهم‌خواهی

محبوبیت هاشمی در سال‌های منتهی به دهه ۷۰ در اوج خود بود، همین هم باعث می‌شود وقتی او برای کاندیداتوری در پنجمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری دیگر می‌شود، هم چپ‌ها و مجمع روحانیونی هایی که یک دهه بعد با عنوان اصلاح‌طلب ظهور و بروز یافتند و هم راست‌ها با جامعه روحانیت مبارزی ها و اصولگرایان فعلی، از او حمایت کنند. در موعد چینش کابینه، هاشمی باید از مجلسی که اکثریت آن چپ بودند، رأی اعتماد می‌گرفت؛ شاید به همین دلیل نیز بیشتر اعضای کابینه‌اش را از چهره‌های چپ چیده بود، اما مسئله این بود که چپ‌ها سهم بیشتری می‌خواستند و اهرم فشارشان هم رأی اعتماد بود. هاشمی سال‌ها بعد صراحتاً اعلام کرد که چپ‌ها به کابینه هاشمی نظر مثبتی نداشتند و نمی‌خواستند به کابینه رأی دهند. مرحوم هاشمی اما جلسه‌ای با نمایندگان گذاشت و در مورد جزئیات آن گفت: «در جلسه‌ای این‌ها عدا درگیر شویم و نباید کرده و سخنرانی تندی کرده و بعضی‌ها تاخوره‌ایا می‌کنیم، در همین دیدار وزیر خارجه عمان خبر می‌دهد که «عربستان سعودی و سایر کشورهای جنوب خلیج‌فارس نیز شاید به اصلاح روابط خود با ایران مشورت نزدیک مجموعه آمریکا بعد مجموعه آمریکا بسلطان عمان در این خصوص و بررسی راه‌حل مشکل و روابط با ایران ۴۵ دقیقه حرف زده و خواستار کمک به آزادی گروگان‌های آمریکایی از طرف ایران است.» که البته هاشمی این پیشنهاد ایران یکم‌ونیم می‌دهد که: «نوبت اقدام آمریکاست.»

پس از ابراز تمایل صدام به پذیرش شروط ایران هیئت دولت در جلسه‌ای به ۲۴ مرداد ۶۹ اجازه‌ورود به هیئت عراقی را تصویب می‌کند. نهایتاً هیئت عراقی ۱۹ شهریور مرکب از طارق عزیز وزیر نفت و یرزان تکریتی، برادر صدام وارد ایران شده و به مراجع هاشمی می‌کند. هاشمی این دیدار را این‌گونه روایت می‌کند: «از موضع ضعف مذاکره می‌کردند و سعی در توجیه اقدامات خود در تجاوز به کویت را داشتند؛ نپذیرفتم و تأکید کردم که ایران تنها در صورتی می‌تواند به کمک آمریکا در آزادی گروگان‌های آمریکایی از طرف ایران است.» که البته هاشمی این پیشنهاد ایران یکم‌ونیم می‌دهد که: «نوبت اقدام آمریکاست.»

پس از ابراز تمایل صدام به پذیرش شروط ایران هیئت دولت در جلسه‌ای به ۲۴ مرداد ۶۹ اجازه‌ورود به هیئت عراقی را تصویب می‌کند. نهایتاً هیئت عراقی ۱۹ شهریور مرکب از طارق عزیز وزیر نفت و یرزان تکریتی، برادر صدام وارد ایران شده و به مراجع هاشمی می‌کند. هاشمی این دیدار را این‌گونه روایت می‌کند: «از موضع ضعف مذاکره می‌کردند و سعی در توجیه اقدامات خود در تجاوز به کویت را داشتند؛ نپذیرفتم و تأکید کردم که ایران تنها در صورتی می‌تواند به کمک آمریکا در آزادی گروگان‌های آمریکایی از طرف ایران است.» که البته هاشمی این پیشنهاد ایران یکم‌ونیم می‌دهد که: «نوبت اقدام آمریکاست.»

تغییر رفتار آمریکا پس از آزادی گروگان‌ها

تنها یک روز پس از این درخواست فرانک رید، دومین گروگان آمریکایی هم آزاد شد. اما در همین زمان نشانه‌هایی از عدم تعهد آمریکا به وعده‌هایش دیده می‌شد. هاشمی درباره گروگان آزادشده‌ی دوم نوشت: «شب به خانه آمدم. در حالی که مشغول نوشتن خاطرات بودم، به اخبار شبکه فارسی صدای آمریکا [VOA] گوش می‌دادم، خبر داد که دومین گروگان آمریکایی در لبنان، امشب آزاد شد. اظهاراتی شده که نشان می‌دهد، دولت آمریکا می‌خواهد تا پایان آزادی همه گروگان‌ها فایش امتیازی ندهد. به نظر می‌رسد اگر چنین باشد لبنانی‌ها آزادی گروگان‌ها را متوقف می‌کنند و آمریکا پشیمان می‌شود.» سال‌ها بعد هاشمی با نگاهی به این تجربیات می‌گوید وقتی آمریکایی‌ها درست به وعده‌هایشان عمل نمی‌کردند، «کار ناقص می‌ماند».

مواجهه فعالانه با تله جنگ

در مقابل رویکرد افراطی برای بروز نظامی در هر نزاع کوچک و بزرگ و نیز انفعال در مقابل تهدیدهای نظامی منطقه‌ای یک رویکرد فعالانه از منبر وجود دارد که می‌تواند بدون تحمیل هزینه‌های بسیار نظامی به کشور، فرصت تأمین حداکثری منافع را فراهم آورد. چنین مواجهه فعالانه‌ای را ایران در برهه‌های زمانی مختلف به‌ویژه زمانی که صدام با اشغال کویت دست به ماجراجویی جدید در منطقه زد، نشان داد. در حالی که کشور های مختلف جهان سعی داشتند از سابقه تلفی نظامی بین ایران و عراق بهره‌برده و برای مهار صدام، ایران را بار دیگر به ورطه جنگ با او بکشانند و در داخل نیز برخی جبهه‌های تندرو خواستار حمله خاک این ولید ایرانی صدام به کار می‌رفتند و خواهان حمایت از او در مقابل آمریکا بودند، ایران در این دو قطبی قرار نگرفت و با رویکردی هوشمندانه سعی در کسب منافع حداکثری از تبرد بین دو دشمن خود را داشت که نمونه‌هایی از این هوشمندی در خاطرات مرحوم هاشمی رفسنجانی نیز روایت شده است.

ایران چگونه به دام جنگ مجدد با صدام نیفتاد

بعد از اشغال کویت توسط صدام، کشورهای منطقه که نسبت به آینده صدام در مواجهه با خودش احساس نگرانی می‌کردند به دنبال این بودند که از سابقه تقابل بین ایران و عراق بهره‌برده و باز دیگر با شعله‌ور آتش جنگ به ایران، از معرکه آتش‌افروز تبدیل کنند تا شاید از شاهد آتش جنگ به ایران، و ایده‌ســـنگرلی او را طراحی می‌کرد به دنبال همین راهبرد بود. اما ایران با هوشمندی، موضعی بی‌طرف اتخاذ کرد و تن به کشش دیگر نداد. تلاش برای بازگردن پای ایران به محور تقابل با صدام را به موضوع در اهداف مقامات کشورهای مختلف که به ایران آمده و با هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور ایران دیدار می‌کردند را می‌شد مشاهده کرد. هاشمی دیدار شی با سیدحسین موسویان در ۲۰ مرداد سال ۶۹ را اینگونه روایت می‌کند: «آقای سیدحسین موسویان آمد. گزارش مذاکره‌ی با سفیر سوئیس و نیز ملاقات با سفیران غربی را داد؛ همه آن‌ها از ایران انتظار دارند علیه صدام بیش از وضع موجود عمل شود؛ به‌نوعی پیشنهاد دادن تسلیحات و حمایت در سازمان ملل در جهت اجرای قطعنامه می‌کنند.» ۲۳ مرداد دفتر ولایتی در دوره مذاکرات خود با کوفی یوسف بن علوی، وزیر امور خارجه عمان به مرحوم هاشمی می‌گوید: «پیشنهادهایی در جهت همکاری به عراق داشتند.» هاشمی در مورد دیدارش با رائید عبدالله النعیمی، وزیر امور خارجه امارات در ۱۴ شهریور می‌گوید: «از موضع ضعف، از ما برای فشـــار بر عراق استمداد کرد و از کمک گذشته خودمان به عراق در جنگ با ما اظهار ندامت نمود و پیروزی ما را تبریک گفت. برای اخراج عراق از کویت قول مساعدت دادم.» علاوه بر این تلاش‌ها گاهی باد هم به نفع ایجاد تنش بین ایران و عراق می‌وزید، اما ایران بازهم در مقابل افتادن در بحران مقاومت کرد. ۱۸ مرداد حســـن فیروزآبادی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح به هاشمی اطلاع می‌دهد که سازمان ملل می‌گوید: «یک کشتی از بصره به طرف ام الرصاص می‌آید.» هاشمی در پاسخ به فیروزآبادی از او می‌خواهد که درگیر نشوند و آنطور که توسط مرجع هاشمی نقل شده: «بعداً معلوم شد کشتی با باد و جزر و مد جابه‌جا می‌شده است.»

گریز از متهم شدن به حمایت از صدام

همزمان با حامیان ایجاد تنش با صدام جریانی نیز در مـــوی مقابل وجود داشت که حمایت از او در مقابل آمریکا را مطالبه می‌کرد. ایران اگرچه با نخستین روزهای تنش هم در اظهارات علنی و هم در اقدامات مخفی از هرگونه ایجاد سوءتفاهم میش بر حمایت از صدام جلوگیری کرد اما پس از آنکه شوروی از ایران می‌خواهد که ۴۰۰ هزار نفر از اتباعش بواســـطه ایران از عراق خارج شوند. ایران با تدبیری هوشمندانه به این درخواست پاسخ می‌دهد. هاشمی در خاطرات ۲۱ مرداد ۶۹ در این‌باره نوشته است: «چون احتمال مسوء استفاده از هواپیما در برگشت برای رساندن تدارکات به عراق در جهت شکستن تحریم می‌رود؛ تأکید کردیم که به صورت زمینی از عراق خارج شوند.» علاوه بر اظهارات هوشـــمندانه ایران، پاسخ گروه‌های ایران خارج در خصوص محکومیت اشغال کویت عوض نکرد‌ه‌است آماده همکاری برای اجبار عراق، به عقب‌نشینی هستیم.» نهایتاً موضع ایران در ۲۰ مرداد این گونه توسط شورای عالی امنیت ملی به تصمیم منتهی می‌شود: «از درگیری نظامی با عراق پرهیز شود، با حضور نیروهای خارجی در منطقه مخالفت شود. آمادگی کامل نظامی برای استفاده از فرصت‌ها حفظ شود و مذاکرات ژنو ادامه یابد. همچنین پذیرش فرستاده صدام به ایران مشروط به اعلان پذیرش معاهده ۱۹۷۵ الجزایر باشد. ضمناً تبلیغات کنترل شود و نیز مذاکره و مراوده با کشورهای جنوب و شوروی، فعال شود.»

هاشمی تشریح می‌کند که این مصوبات همان شب در دیداری که او، مرحوم سیداحمد خمینی و دکتر ولایتی با رهبر انقلاب داشتند، مورد تأیید ایشان نیز قرار می‌گیرد. با جدی نشـــدن زمزمه‌های جنگ بین آمریکا و صدام عصر یک دی‌ماه، شورای عالی امنیت ملی طی جلسه‌ای درباره شرایط منطقه در فرض شروع جنگ عراق و آمریکا تصمیم به عدم مشارکت در جنگ، جلوگیری از عبور حجاج ایران که رهگذر به عراق در صورت خواست طرف‌های دیگر و انجام مانور نظامی می‌گیرد.

امتیازات یک‌بی‌طرفی فعالانه

ایران علی‌رغم اتخاذ یک موضع بی‌طرف و رویکردی فعالانه در بحران به وجود آمده در منطقه نشاست. صدام که برای آغاز ماجراجویی جدید که قرار نیز داشت تا خیالش از بابت تهدید نشدن از جانب ایران راحت باشد طی نامه‌ای به ایران پیشنهادهای جامعی درباره اجرای قطعنامه ۵۹۸ به ایران می‌دهد که نه‌تنه اصلی آن پذیرش نوعی مشارکت ایران و عراق در (اروندرود) بود. هاشمی این نامه را اینچنین ارائه می‌شود که: «به نظر می‌رسد صدام در ارتباط با تشکور کویت برنامه‌ای در دلش دارد که می‌خواهد از جانب ما خیالش راحت باشد. عراق از طریق مذاکرات با ایران سعی دارد تا با تمام توان تلاش کرد تا حسن نیت خود را نشان دهد اما این تلاش‌ها به جای پاسخی مثبت با بدعهدی و رفتار سردی مواجه شد که درسی تلخ را ماندگارتر به همراه داشت. داستان مذاخله مثبت ایران برای آزادسازی گروگان‌های آمریکایی در لبنان و روایت تلاش‌های آیت‌الله هاشمی رفسنجانی است که با امید به گشایش در روابط و حل بحران‌های منطقه‌ای مسیر تعامل را برگزید، اما با منافع‌ه